

◻ جام دیده‌ها

زمانی برای تصمیم

امیر پوریا

۱ – می‌گویید امروز چه کار باید کرد؟ تیم ملی را نمی‌گویم؛ خودمان را می‌گویم . برای راحت‌تر دیدن بازی ایران – پرتغال، برای کاهش امکان سکنه و نوسان شدید فشار خون یا فریادهای ناگهانی و گرفتگی صدا و غیره، چه تمهیداتی بیندیشیم؟ واقعاً کسی پیدا می‌شود که بتواند بابت پیشگیری از این عصبیت و اضطراب و تعلیق، بازی را رها کند و نبیند و حتی از اتاق خوابش هم گوش نایستد و با واکنش‌های بقیه اهل خانه که در حال یا اتاق پذیرایی جیغ و داد می‌کنند، از اتاق بیرون نپزد و طرف تلویزین دندود؟ فکر نمی‌کنید با اوضاع موجود، روانکاوها می‌توانند ثابت کنند که ما یک جمعیت ۷۰ میلیونی مبتلا به‌خودآزاری هستیم که از پای تلویزین تکان که نمی‌خوریم هیچ، بلکه قرارهایی هم می‌گذاریم که با هم و دسته جمعی بازی‌ها را ببینیم؟! چون می‌دانید که؛ حرص خوردن و غرزدن از بازی تیم محبوب‌مان هم مثل خنده در تماشای فیلم کمدی و ترس از دیدن آثار سینمای وحشت، مسری است و نوی جمع، چند برابر تنهایی می‌شود. پیشنهادت شخصی من اینهاست: اگر پیش‌بینی قبل از بازی می‌کنید، حتماً نتیجه را با دو گل اختلاف به سود ستارگان فخر فروش پرمدهای پرتغال برزید تا در صورت روی دادن همین اتفاق، کمتر جابجوخوید و به سکنه و افت فشار نزدیک شوید و در صورت مساوی یا برد تیم خودمان (خداوند!) حتی از گفتنش هم به هیجان می‌آیم!) به عنوان آدم بدبینی که وقایع برخلاف انتظاراتش خوب و عالی پیش رفته، لذتی مضاعف ببرید و شکر بیشتری به جای آورید . بازی را در تنهایی نبینید تا در صورت بروز هر نوع اتفاق اورژانسی، کسی برای آب‌قند درست کردن یا به درمانگاه بردن یا دست‌کم دلداری دادن و «برانکو که از اونجا صدای تورو نمی‌شنوه؛ پس کمتر حرص بخور!» گفتن در کنارتان باشد. اگر زبانم لال، پیش‌بینی‌های اغلب کارشناسان فوتبال در سراسر دنیا درست از آب درآمد، حتماً مسابقه‌بعدی امروز بین چک و غنا را ببینید که سرعتی و قدرتی خواهد بود و به میزان قابل صلاحظه‌ای از این پتانسیل برخوردار است که یاس و اندوه بازی قبلی را به طور موقت از ذهن و قلب‌تان دور کند تا بعد، شب که دراز کشیدید تا به خواب بروید، دوباره به یاد لحظه‌های حرص‌رادرور بازی خودمان پیشنید و اگر خواب‌تان برد، در خواب بتوانید کمی راحت‌تر از بیداری با آن کنار بیایید. دیدن بازی چک و غنا البته فقط در صورت ناکامی ما توصیه می‌شودوگر نه، اگر معجزاتی رخ داد، کسی خانه نمی‌ماند تا بتواند به تماشای کار ندود و روسپیچی و کوفور و آپیا بشیند!

۲– می‌گویید بچه‌ها چه کار کنند؟ بازیکنان تیم ملی را می‌گویم . یعنی اگر همان یکی دو نفری که مورد انتقاد همه ما هستند، باز در بازی فیکس باشند (دیروز برانکو گفت که دلیلی برای استفاده نکردن از آنها نمی‌بیند و آنها هم در تمرینات با بقیه بابت حضور در زمین، رقابت دارند)، همه چیز را از چشم مربی کروات می‌بینید و با انبوهی عرق ملی، بچه‌ها را از خطا و تقصیر مبرا می‌دانید؟ نه دیگر، نشند. آخر و اما و به هر حال ندارد. باید تصمیم‌تان را بگیرید. آمدم و کاپیتان از اول در زمین بود و گل هم زد. آن وقت همه انتقادهایتان را پس می‌گیرید و زبان به تشویق و تحسینش می‌کشاید؟ این همه SMS منفی و مخالف‌خوان را که در فاصله یکشنبه شب هفته پیش تا امروز دریافت‌اف فورواردها کردید، چه کار می‌کنید؟ بکهر همه را از حافظه موبایل‌تان پاک می‌کنید؟ ذهن و احساس و درونیات چه می‌شود؟ آنها هم قابل پاک شدن‌اند؟! واقعیت این است که ما همه در این ماجرا

سطحی و شتابزده عمل کرده‌ایم و به جای آن که کلیت مسیر حرکت تیم را در بازی اول و حتی در دو بازی قبلی (تدارکاتی‌های کم تعدادمان را می‌گویم) دچار اشکال بدانیم، تقصیرات را به گردن یکی دو نفر انداخته‌ایم. آنها هم به شدت مقصزند؛ ولی حتی اگر تیم مثل بازی با بوسنی نتیجه خوبی هم بگیرد، تا زمانی که روش بازی‌اش را به نفوذهای زمینی و سرعتی و استفاده از توان و انگیزه و شم گلزنی و قدرت دریبلینگ جواد کاتلمیان یا رضا عنایتی یا رسول خطیبی و پشت سر اینها، مسعود شجاعی متکی نکند و مرعوب نام و شهرت لژیونرهای به شدت ناآمده‌اش (تعارف نداریم، اینجا منظوم حتی علی کریمی و هاشمیان هم هست) باشد، تفکر حاکم بر تیم اشکال اصلی است. این تفکر، البته در ناکارآمدی یکی دو مهره مشخص خودش را بیشتر نشان می‌دهد؛ ولی موضوع اصلی ریشه‌اش را از تعویض یکی دو نفر است: باید تصمیم محکم و اساسی را در مورد تعویض روش بازی و حمله بگیرند. نه مثل بازی با مکزیک که آمدن مهراد معدنچی و بعدتر آرش برهانی، هیچ تغییری در روش بازی ایجاد نکرد و باز هم اغلب نفوذهای ما بابت ساندویچ شدن هاشمیان در بین دو مکزیک‌ی، حتی به پاس توی هجده قدم هم منجر نمی‌شد. همه اینها تازه به غیر از ضرورت تغییر کامل روش‌های دفاعی تیم است. در مسابقه اول، حتی یک‌بار یادتان می‌آید که دفاع ما یا حتی هافبک‌ها در جین حمله حریف، صاف و سریع توی پای بازیکنان مکزیک رفته باشند، خیلی نزدیک و جدی درگیر شده باشند یا ضربه‌ای را از نزدیک بلوکه کنند؟ دستور دفاع ما، همیشه «با فاصله» بود و برای همین بهترین لحظه‌هایش را تکل‌ها تشکیل می‌داد. این درحالی است که ظرافت بازی تکنیکی‌های جادویی پرتغال را فقط با رابگیری من تو من و پرسپینگ کامل به سبک بسکتبال می‌شود خشتی یا لااقل کم اثر کرد. موی دماغ شدن و کنه‌بازی، تنها راه انجام این کار است.

۳ – می‌گویید آخر شب چه کار کنیم؟ می‌دانم خیلی هایتان اصلاً به دو بازی بعد از بازی اول فکر نمی‌کنید. ولی دردرس اساسی‌ام برای امروز که نهمین روز جام است، شروع سه مسابقهٔ آن با بازی ایران عزیز و تمام بازی با بازی ایتالیای محبوب است. تیم بحران‌زده که با دو گل در مقابل غنا، کمی تا قسمتی از فجاج پشت پرده‌اش فاصله گرفت، امشب با آمریکای زخم‌خورده از باخت سنگین در برابر چک بازی می‌کند و باز باید. ۹۰ دقیقه نیم‌خیز و ملنق و مضطرب بازی‌اش را تماشا کنیم. به این که فکر می‌کنم، می‌بینم امروز به اندازه یک روز مهم دورهای حذفی یک هشتم و یک چهارم، حساس و کلیدی است.

پژمان راهبر: سیزده سال پیش بود که مهدی اسداللهی، ورزشی نویس مشهور که در کیهان هفته‌ای دو صفحه مقاله می‌نوشت، پیش از سفر تیم ملی ایران به مرحله دوم مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۴ که در قطر برگزار می‌شد، این تیرتر را عنوان مطلب خود کرد. او «فال حافظ» گرفته و نوشته بود حضرت حافظ چنین مقدر کرده است. آقای د. اسداللهی» البته فوتبالیست نویس کارکشته‌ای بود و مشکلات فنی تیم ایران (به مربیگری علی پروین) را می‌دانست، بنابراین به سراغ شعری رفته بود که دوپهلو و ۵۰ – ۵۰ باشد!

آن روزها، سیاست، سیاست حمایت بود. حمایت تام و تمام از تیمی که به نسبت تیم‌های قبلی بیشترین مسابقه تدارکاتی را انجام داده و بعد از دو بازی آخر با افت‌کلن و هامبورگ در ورزشگاه آزادی با سلام و صلوات به قطر رفت، اما در حالی‌که به نظر می‌رسید ایران مدعی اصلی صعود به جام جهانی است، آنها که دقیق‌تر به فوتبال نگاه می‌کردند، دلشوره عجیبی داشتند. اول اینکه علی پروین به‌رغم اردوی چندماهه بالاخرو روی گزینه دفاع چپ به نتیجه نرسیده و میان رضا رضایی منش راست یا کریم باقری (که دفاع میانی بود) و جواد منافی دل‌دل می‌کرد. نکته دوم افت نامحسوس بهزاد غلامپور ستاره تیم ملی در دور مقدماتی بود که در بازی‌های پاس در جام باشگاه‌های آسیا در لبنان خود را نشان داد و سوم نبود جانشین برای محمد پنجعلی که دو سالی از خداحافظی‌اش می‌گذشت، اما نادر محمدخانی هنوز نتوانسته بود با قدرت او دفاع را رهبری کند. از اینها گذشته بعداز محرومیت فرشاد پیوس مهاجمی در حد و اندازه‌های او برای بازی کنار علی دایی (چهره نوظهور آن روزها) وجود نداشت. دیگر چه؟ مسجد نامجموع‌مطلق که مرتب مصدوم می‌شد و به‌رغم تکنیک درخشان نمی‌شد به او امید بست. ایران در این شرایط در یک بازی صدهزارنفری ۱ – ۲ هامبورگ را شکست داد و به قطر رفت، اما ما در طبقه دوم ورزشگاه دیدیم که هرگاه «توماس فون هسن» کاپیتان HSV اراده کرد از دفاع ایران گذشت. اما خب، درخت‌ها نمی‌گذاشت جنگل را ببینیم. وقت، وقت تشویق بود و فریاد. تا مبادا روحیه نرم و نازک ملی‌پوشان ترک بردارد.

الفصله، ایران یکی دو روز بعد از انتشار مجله کیهان ورزشی که تیر بزرگ آن همین مصرع ابر چشم دشمنان تیر . . . بود مقابل کره ایستاد و با نتیجه باورنکردنی ۳ –۰ مغلوب حریف شده، یک شکست باورنکردنی دقیقاً به دلیل مشکلات ایران در دفاع چپ و میانی و دروازه به وقع پیوست. یک باخت غیرقابل هضم که هنوز از ذهن طرفداران فوتبال ایران بیرون نرفته و این اولین گام تروتمنی بود که حامل آن شکستی همه‌جانبه و حذف چهارساله علی پروین از فوتبال ایران بود.

سرمربی تیم ملی اگر روزهای مقدماتی را به بطلات نگذرانده بود می‌توانست اولین مربی صعودکننده به جام جهانی پس از انقلاب باشد.

◻◻◻

امروز و در فاصله چند ساعت تا سرنوشت‌سازترین مسابقه ایران در جام‌جهانی اوضاع به شکل غریبی شبیه ۱۳ سال پیش است. تیمی که هنوز دفاع چپ خود را پیدا نکرده، کاپیتان سمنی دارد که به نظر نیمکت‌نشینی

و حالا روز بدون دایی



مجید توکلی: خیال همه‌تان راحت. خبر رسید علی دایی صد درصد مقابل پرتغال بازی نمی‌کند. امروز علی دایی پس از ۱۴۹ بازی ملی نیمکت‌نشین شد

و آمار جالبی از نیمکت‌نشینی‌اش

رقم زد. دایی تنها در بازی مقدماتی ۱۹۹۸ در دیدار ایران–سوریه که در ورزشگاه آزادی انجام شد، به‌رغم عدم آسیب‌دیدگی بازی را تا دقیقه ۴۲ از روی نیمکت تماشا کرد. دایی

از آن بازی تاکنون در هیچ یک از

بازی‌های ملی، بدون مصدومیت روی نیمکت ننشسته

است!

◻

آن دو نه، میرزاپور

نیولوفر مومنی، آلمان: برانکو ایوانکوویچ در پاسخ به سؤال خبرنگار اعزامی واحد مرکزی خبر در خصوص احتمال حضور ابراهیم میرزاپور در بازی دوم گفت: دلیلی نداره که او بازی نکنه. اما با توجه به روند یکنواخت سنگربانی‌های نامطمئن میرزاپور در ماه‌های اخیر و این نکته که او هرگاه زیرفشار انتقادات قرار بگیرد در بازی بعدی متزلزل‌تر ظاهر می‌شود، شاید برانکو دلیلی برای بازی نکردن او پیدا

کند!! البته حسن رودباریان ذخیره اصلی میرزاپور است و در دیدار با بوسنی هم جای میرزاپور را از اواسط بازی گرفت و گلی هم نخورد. این اتفاق در بازی دستگرمی اردوی فردریش هافن هم تکرار شد. اما از آمادگی جالب توجه وحید طالب‌لو در تمرین روز سه‌شنبه هم نمی‌شود به سادگی گذشت. او در مهار اغلب



او به سود تیم خواهد بود، حکایت دروازه‌بان آن را همه می‌دانند و مثل آن دوره (که حمید استیلی ستاره خط میانی مصدوم شد و مسابقات را از دست داد) به امید علی کریمی است که هنوز درد دارد. نکته جالب دیگر شباهت‌های میان هر دو مربی است؛ پروین با پیروزی شگشت از فوتبال ایران بیرون نرفته و این اولین گام تروتمنی بود که حامل آن شکستی همه‌جانبه و حذف چهارساله علی پروین از فوتبال ایران بود.

◻



دوره کاری خود در ایران فاصله دارد. در مورد آن تیم مثل تیم فعلی یک نکته عجیب وجود داشت. اینکه بعد از شکست سه گله روز اول هنوز به آن امیدوار بودیم، گرچه بعد از اتفاق روز اول– و کمی قبل‌تر از آن در روزهای آماده‌سازی– حساب کار دستمان آمده بود. به هر حال این فوتبال است!

◻◻◻

آقای «ادل اسداللهی» اگر حوصله‌ای مانده باشد، می‌نشیند پشت آن دستگاه مشک‌ی قدیمی و «تق و تق» مقاله‌اش را تایپ می‌کند، گرچه سال‌ها است که از کیهان



دوره کاری خود در ایران فاصله دارد. در مورد آن تیم مثل تیم فعلی یک نکته عجیب وجود داشت. اینکه بعد از شکست سه گله روز اول هنوز به آن امیدوار بودیم، گرچه بعد از اتفاق روز اول– و کمی قبل‌تر از آن در روزهای آماده‌سازی– حساب کار دستمان آمده بود. به هر حال این فوتبال است!

فیگو: امروز فینال است

انتظار داریم که بازی مشکلی را پیش‌رو داشته باشیم. « اما این یک طرف قضیه است. طرف دیگر را هم فیگو شرح می‌دهد: «اگر ما این بازی را ببریم، خیالمان از صعود به دور بعد راحت می‌شود، این می‌شود که دیدار امروز به یک فینال بدل می‌شود. « استاد در سال‌های آخر دوران بازیگری‌اش می‌خواهد تمام توانایی‌هایش را به کار بگیرد و بهترین بازی‌هایش را برای ایران به تصویر بکشد. «من اینجا هستم تا برای کشورم افتخار بیافرینم. « او و هم‌تیمی‌هایش که خاطره تلخ جام جهانی ۲۰۰۲ را پیش چشم دارند، سخت تلاش کرده‌اند که در این رقابت‌ها بتوانند به آنچه می‌خواهند برسند. فیگو می‌گوید که همه‌شان روی جام جهانی تمرکز کرده‌اند و بر آن هستند که در این جام بالا و بالاتر بروند. برای همین هیچ تیمی را دوست کم نمی‌گیرند و این برای ما – که ایرانی هستیم– نگران‌کننده است. با نمایی که از فیگو در بازی با آنگولا دیده‌ایم باید هم نگران باشیم. امیدواریم شب، شب خوب فیگو نباشد.

به تصویر بکشد. «من اینجا هستم تا برای کشورم افتخار بیافرینم. « او و هم‌تیمی‌هایش که خاطره تلخ جام جهانی ۲۰۰۲ را پیش چشم دارند، سخت تلاش کرده‌اند که در این رقابت‌ها بتوانند به آنچه می‌خواهند برسند. فیگو می‌گوید که همه‌شان روی جام جهانی تمرکز کرده‌اند و بر آن هستند که در این جام بالا و بالاتر بروند. برای همین هیچ تیمی را دوست کم نمی‌گیرند و این برای ما – که ایرانی هستیم– نگران‌کننده است. با نمایی که از فیگو در بازی با آنگولا دیده‌ایم باید هم نگران باشیم. امیدواریم شب، شب خوب فیگو نباشد.

پترسوویچ: شکست دادن پرتغال آسان‌تر است



مهاجم بازی کند بسیار مطلوب خواهد بود. دفاع‌های کناری پرتغال در بسیاری از مواقع پست‌های خود را ترک می‌کنند و به جلو می‌روند و این یک امتیاز برای ایران محسوب می‌شود. « پترسوویچ بر این باور است که ایران قدرت پیروزی در بازی دوم خود را دارد: ایران برای پیروز شدن برابر پرتغال شانس دارد. البته این به خود بازیکنان بستگی دارد. برانکو و دستیارانش وظیفه خود را انجام داده‌اند و بقیه با خود بازیکنان است که امروز چه کار می‌کنند.

◻ نگاه

حتما؟ شاید یا هرگز؟

سیدحمیدرضا منبئی

نه دایی آن قدر ضعیف‌تر از بازی‌های ضعیف گذشته‌اش بود و نه برانکو تفاوت فاحشی با آن مربی محتاط– شما بخوانید ترسو– همیشگی داشت. آن چیزی که موجب واکنش‌های مبالغه‌آمیز پس از شکست ایران در مقابل مکزیک شد، بغض فروخورده چندساله‌ای بود که در تمام این مدت در برابر بهانه «نتیجه گرفتن» تیم ملی توان ترکیدن نداشت. برگزاری بازی در یک میدان جهانی و همچنین بازی خوب ایران در نیمه اول هم مزید بر علت شد تا چنین واکنش‌هایی بروز کند.

برانکو همان مربی همیشگی بود. با همان احتیاط‌های کشنده که برای ایرانیان تحقیرآمیز است. ما که سابقه او را در عقب کشیدن تیم برابر تیم‌هایی چون آذربایجان، بحرین و عمان در اسنادیوم آزادی می‌دانستیم، چطور خام شدیم و توقع داشتیم تیم ملی در نیمه دوم مکزیک را از پا درآورد؟!

ایوانکوویچ نه مانند استادش چپرو آن قدر خونگرم و پرانرژی بود که مردم در صورت باخت و حذف از جام جهانی هم او را دوست داشته باشند، نه چون اویوچ توانست ساختار دفاعی مستحکمی برای تیم ملی پدید آورد و نه مثل ویرا با بازی هجومی مردم را به وجد آورد. او تنها در پشت آمار و نتایج خود را پنهان کرد. و اینها چیزی نبود که او را در «دل» ایرانیان جای دهد. بله، ما با پرفسور در رنکینگ فیفا صعود کردیم، اما همه می‌دانیم که در جام جهانی رنکینگ چیز مهمی نیست.

برانکو برای نشستن بر روی نیمکت ایران در جام جهانی هر فشار و سفارش و انتقادی را تحمل کرد. او که توقع داشت به خاطر صعود به جام جهانی حلو‌حلولایش کند، همیشه به انتقادات مخالفانش متعجب بود. تا جایی‌که پس از بازی با مکزیک گفت: «در ایران وقتی می‌بریم هم از ما انتقاد می‌کنند، چه برسد به موقع شکست. « و او هیچ گاه نفهمید که ایرانیان نیمه‌های اول بازی با آلمان و مکزیک را– ولو همراه با شکست– با صدا تا بازی دفاعی و بی‌روح همراه با برد عوض نمی‌کنند.

تصاویری که از برانکو در حین بازی با مکزیک پخش شد، محدود به صحنه‌هایی بود که دست بر موهای خود می‌کشید و با آب می‌خورد. اصلاً دیده نشد– لااقل در تصاویر تلویزنیونی– که با کسی مشورت کند یا تحرکی داشته باشد. (راستی برانکو قرار بود با چه کسی مشورت کند؟! با شاهرخی، بگوویچ، سجادی یا فرکی که نمردم و فهمیدیم بهتر از او مربی ایرانی نداریم!)

در عوض لاوولپه برعکس برانکو بر بازی احاطه



داشت. بالا و پایین می‌پرید، به بازیکنانش انرژی می‌داد، با دستیارانش صحبت می‌کرد و در نهایت با تعویض‌هایش در ابتدای نیمه دوم ثابت کرد که مقهور و مرعوب بازی نیست. پرفسور و اما برخلاف همتای آرژانتینی «تعویض» را نه ابزاری در دست مربی، که بهانه‌ای برای انتقاد از او می‌دانست و سعی داشت با رخنوتش بازی فقط هر چه زودتر به پایان برسد. چه جوری‌اش اصلاً مهم نیست. بار اصلی انتقادات از علی دایی هم باید متوجه او باشد. چرا که اگر دایی هم مثل رونالدو و چندین ستاره دیگر تیم‌ها تعویض می‌شد، تا این حد به سوی نابودی نمی‌رفت. برانکو پیش از این هم نشان داده که فرق حمایت به موقع و اصرار بی‌مورد را نمی‌داند. آنجا که با بازی دادن بی‌چون و چرا به کسانی چون میرزاپور، نصرتی و کمی عقب‌تر محمد علوی و . . . با حمایت‌هایش، آنها را زیر فشار مضاعف قرار داد و اگر این‌طور نبود، شاید ما الان میرزاپور و نصرتی و حتی دایی آماده‌تر و باروجیه‌تری داشتیم.

به هر حال ایوانکوویچ به احتمال زیاد روزهای آخر عمر مربیگری‌اش را در ایران سپری می‌کند. قرارداد او پس از جام‌جهانی به پایان رسیده و تصور اینکه او بعد از این هم با تیم ایران همکاری‌اش را ادامه دهد، مشکل است. مگر اینکه در این دو بازی و به خصوص بازی امروز، معجزه‌ای رخ دهد. برانکو می‌تواند برای اولین‌بار احتیاط همیشگی‌اش را کنار گذاشته و با میدان دادن به بازیکنانی از قبیل طالب‌لو (و راودباریان)، برهانی، بختیاری‌زاده و . . . ریسک کنند. در این صورت اگر یبازد چیز زیادی را از دست نداده و می‌تواند با ژست عدم موفقیت جوانگرایی به خانه‌اش بازگردد. اگر هم نتیجه بگیرد که به قهرمان شجاع (!) ملی تبدیل می‌شود و احتمال تمدید قراردادش وجود دارد. هر چند که با شناختی که از او داریم، احتمال چنین ریسکی را در حد صفر می‌دانیم. به هر حال هیچ چیز را نمی‌توان پیش‌بینی کرد. اما خدا را چه بدیدید. شاید امروز با تعویض‌های برانکو و گل دایی پرتغال را بردیم و این دو اسطوره شدند. . . . و این است حکایت ملتی که همیشه با یک غوره سردی‌شان می‌کند و با یک مویز گرمی!